

ارزیابی مواضع سیاسی نهضت آزادی در فرایند جنگ تحمیلی (با تأکید بر مواضع نمایندگان مجلس شورای اسلامی)
توران منصوری^۱، محمد جواد هراتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

چکیده:

رفتار گروه سیاسی نهضت آزادی در قبال تحولات انقلابی ایران و علل این رفتار همواره مورد توجه پژوهشگران تاریخ معاصر بوده است. بر این اساس ارزیابی عملکرد و ویژگی‌های رفتاری گروه نهضت آزادی در دوران دفاع مقدس از موضوعات مهم و در خور توجه پژوهش است. به نظر می‌رسد این جریان سیاسی مواضع ضد و نقیضی در قبال جنگ ایران و عراق اتخاذ کرده است از این رو، مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی تلاش دارد با کاربست نظریه واگرایی سیاسی، به این سوال پاسخ دهد که «زمینه‌های واگرایی سیاسی نهضت آزادی در فرایند جنگ تحمیلی چه بود و در این میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی چه مواضعی اتخاذ کردند؟» یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در آغاز منازعه عراق و ایران، گروه نهضت آزادی به حمایت نظری از دفاع مقدس پرداختند اما پس از گذشت مدت زمان کوتاهی و پس از بازپس‌گیری خرم‌شهر در ۳ خرداد ۱۳۶۳، مواضع این گروه با دگرذیسی مواجه گردید و عملکرد نظام سیاسی ایران در مدیریت جنگ تحمیلی را مخالف منافع ملی ایرانیان تلقی کردند. این مواضع موجب گردید تا عموم نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برابر آنها صف‌آرایی کنند و مواضع آنها را ناشی از تمایل به غرب، همکاری با گروه‌های معاند انقلاب اسلامی و تقابل با ولایت فقیه ارزیابی کنند.

واژگان اصلی: واگرایی سیاسی، نهضت آزادی، گروه‌های سیاسی، دفاع مقدس، مجلس شورای اسلامی

در میان احزاب و گروه‌های سیاسی ایران، نهضت آزادی از جمله کنشگرانی بوده است که اندیشه‌ها و مواضع مذهبی، سیاسی و تشکیلاتی آنها در تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت می‌باشد. (رحمتی، ۱۳۹۳: ۶۹-۵۵) این گروه سیاسی به عنوان ستون فقرات نهضت مقاومت ملی توسط آیت‌الله سید محمود طالقانی، مهندس بازرگان و یدالله سجایی تأسیس شد (نجاتی، ۱۳۷۵: ۳۷۹) و در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ اعلام موجودیت کرد. (سلطانی، ۱۳۶۷: ۲۳)

ایدئولوژی نهضت آزادی ایران، حفظ اصالت نهضت ملی در چارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی بود. (نجاتی، ۱۳۷۵: ۳۷۴) اهداف نهضت از لحاظ سیاست داخلی، احیای حقوق ملت ایران بر طبق قانون اساسی، استقرار حکومت مردم بر مردم و تعیین حدود اختیارات و مسئولیت‌های قوای سه‌گانه؛ ترویج اصول اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، براساس مبانی دین اسلام با توجه به مقتضیات سیاسی و فرهنگی عصر حاضر بود و از لحاظ سیاست خارجی مجاهدت برای تأمین بی‌طرفی ایران و تضمین آن به وسیله دو بلوک شرق و غرب و ایجاد همبستگی بیشتر با ممالکی که با ایران دارای علایق مشترک تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و مذهبی هستند. (همان: ۳۸۴-۳۸۳) عملکرد نهضت آزادی در رویدادها و شرایط مختلف نظیر جنگ تحمیلی امری شایان توجه است. زیرا استراتژی جدیدی برای مبارزه ارائه دادند و در میانه جنگ تحمیلی، در راستای «کاهش حمایت از دفاع مقدس» گام برداشتند. (مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۷: ۳۵) تا جایی که می‌توان مجموعه این مواضع و عملکردها در سال‌های پایانی جنگ راه، بر خلاف امنیت ملی و مصالح کشور ایران در نظر گرفت. (بهرامی و احمدی، ۱۳۹۰) لزوماً اعلام پایبندی به ساخت حقوقی ایران، نمی‌تواند بستری فراهم نماید که احزاب در زمره فعالان قانونی آن جای بگیرند؛ بلکه باید نسبت به ساخت حقیقی نظام سیاسی مواضع صحیحی داشت. تلاش برای براندازی نظام حقیقی به پشتوانه ساختار حقوقی،

پارادوکسی است میان محافظه‌کاری و رادیکالیسم که گریبان‌گیر احزابی نظیر نهضت آزادی می‌شود که سرسختانه بر مواضع آرمان‌خواهانه خود مقاومت می‌کنند. (طایفه و کیانی، ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۳۰) بعد از این ملاحظه نظری باید اشاره شود که اصول سیاسی نهضت آزادی، برآمده از مبانی فکری است که برآمده از تفاسیر خاصی است که توسط اعضای این نهضت ارائه شده است (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸) و این روند فکری بر مواضع و کنش‌های سیاسی این حزب در مقاطع حساس تاریخی ایران نظر جنگ تحمیلی هشت ساله تاثیر گذاشته است و واکنش اقشار مختلف از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به دنبال داشته است. لاجرم، مقاله حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، سوال اصلی «زمینه‌های واگرایی سیاسی نهضت آزادی در فرایند جنگ تحمیلی با تأکید بر مواضع نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این ارتباط چه مؤلفه‌هایی می‌باشند؟» را پاسخ دهد. مفروض اصلی به این قرار است که واگرایی سیاسی نهضت آزادی با حاکمیت سیاسی در جریان جنگ تحمیلی در سیره عملی و نظری این نهضت قابل مشاهده است. نادیده گرفتن و تضعیف جایگاه رهبری، تمایل به غرب، تساهل در مواجهه با دشمنان انقلاب اسلامی و... از جمله عواملی است که نمایندگان مجلس از آن به عنوان دلیل تقابل رویه نهضت آزادی با سیاست‌های کشور ایران طی هشت سال جنگ تحمیلی عنوان می‌کنند.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص نهضت آزادی و سیر بررسی عملکرد آن در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پژوهش‌هایی انجام شده است. حسن حضرتی، هادی قیصریان فرد و مینا آونج در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ ایران و عراق در گفتمان سیاسی نهضت آزادی ایران» درصدد بررسی عملکرد جریان نهضت آزادی با تأکید بر نظریه گفتمانی لاکلا و موفه و نیز پیوستگی انقلاب و جنگ مارتین وایت هستند. آنها در این مقاله به این نتیجه رسیدند که نهضت آزادی با استناد به آموزه‌های دینی و اسلامی در مورد جنگ، درصدد القا و تحمیل این نظریه هستند که جنگ

نمی‌تواند فی‌نفسه مفید باشد. مقاله «تحلیل و بررسی نهضت آزادی در جنگ تحمیلی و مواجهه با انقلاب اسلامی» به خامه حسین ارجینی و عیسی مولوی وردنجانی نیز حاکی از تأکید نهضت آزادی بر ایده صلح‌طلبی در جریان جنگ تحمیلی است. آنچه تحقیق حاضر را متمایز می‌سازد بررسی عملکرد نهضت آزادی در جریان جنگ تحمیلی بر اساس نظریه واگرایی سیاسی و همچنین واکاوی مواضع نمایندگان مجلس در قبال عملکرد این جریان سیاسی است. از این حیث مقاله حاضر دارای نوآوری و بداعت است. بنابراین در این پژوهش سعی شده است اولاً با شناسایی مؤلفه‌های واگرایی نهضت آزادی در قبال جنگ تحمیلی، مواضع نمایندگان مجلس نیز در اینباره بررسی شود.

۲. رویکرد نظری؛ واگرایی سیاسی

همگرایی سیاسی به مثابه پروسه‌ای است که مبتنی بر وفاداری است (Dougherty 1971:281 & Robert) و در نقطه مقابل آن واگرایی قرار دارد. لیندبرگ اعتقاد دارد که در درون اجتماع، همگرایی سیاسی فرایندی ایجاد می‌کند که طی آن، گروه‌بندی‌های جدیدی بدون کاربرد خشونت به وجود می‌آید و در آن شاهد تصمیم‌گیری مشترک، منظم و مستمری هستیم که معلول و یا جزئی از روند تکوین تدریجی نوعی نظام تصمیم‌گیری دسته‌جمعی میان ملت است. ارنست هاس تصریح می‌کند که اتخاذ تصمیم همراهی و یا مخالفت کردن با همگرایی به این امر بستگی دارد که گروه‌های عمده تشکیل دهنده واحد معطوف به همگرایی، چشم‌انداز همگرایی را ثمربخش می‌بینند و یا آن را برای خود زیان بار می‌دانند. به نظر وی آنچه در فرایند همگرایی مهم به نظر می‌رسد توجه به منافع و ارزش‌هایی است که بسیار پیچیده‌تر از آن‌اند که بتوان آنها را با یک اصطلاح ساده توصیف کرد. هاس بر این فرض است که آنچه همگرایی را به پیش می‌برد فعالیت نخبگان مربوطه در بخش‌های دولتی و خصوصی است، نخبگانی که اساساً به خاطر دلایل عمل‌گرایانه و نه نوع دوستانه به حمایت از فرایند همگرایی می‌پردازند. در فرایند همگرایی مؤلفه‌هایی چون پیوند کارکردی، تشکیل اتحاد و ائتلاف‌ها میان اعضاء، جامعه‌پذیری نخبگان، تشکیل اتحاد و ائتلاف‌ها، تشکیل گروه‌های همگرا، جاذبه ایدئولوژیک و هویت‌بخش نیز بر شرکت بازیگران سیاسی در فرایند همگرایی بسیار نقش دارد. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۲) از این رو، باید همه واحدهای سیاسی کشور و تمامی احزاب به طور دواطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک

صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی به نام رهبری پیروی کنند. همچنین تعامل و ایجاد رابطه صلح‌آمیز میان اقشار مختلف جامعه و سیاستمداران و احزاب مختلف در یک کشور، فاصله میان ملت‌ها و دولت‌ها را به حداقل ممکن تقلیل داده است و این مسئله، امری اجتناب‌ناپذیر و از ضروریات می‌باشد. (اندام، ۱۳۹۲: ۱)

در مقابل ارتباطات همگرا در نظام سیاسی، ارتباط و اگرچه وجود دارد که می‌تواند همراه خشونت، تندی و پرخاشگری، برخورد خشن و تخریب‌گرانه باشد. (مهکام، ۱۳۸۳: ۵۴) واگرایی فرایندی به معنای تفکیک از همدیگر، دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سوی هدف‌های خاص است. (درویشی و مظفری، ۱۳۹۷: ۳-۶)

براساس نظریه گریز در واگرایی سیاسی، گسست در نظام‌های اجتماعی و سیاسی به عنوان یک مسئله بنیادی محسوب می‌شود و باید به این پرسش پاسخ داد که عوامل و زمینه‌های بروز واگرایی و جداشدگی در درون نظام‌ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی که به کاهش تدریجی سطح انسجام و در نهایت فروپاشی آن منجر می‌شود، چیست؟ نظریه گریز بر دو اصل اساسی تاکید می‌کند؛

(۱) اصل گسترش و گسست: این اصل بیانگر آن است که هر نظام به موازات توسعه کیفی و کمی، عوامل و زمینه‌های واگرایی و جداشدگی را نیز درون خود پرورش می‌دهد.

(۱) اصل پایداری: بر پایه این اصل، پایداری و تداوم نظام‌ها بیش از هر چیز وابسته به مبانی شکل‌گیری آنها است. مطابق این اصل، نظام‌ها در سه گروه اقتصادی، امنیت و فرهنگ قابل تقسیم‌بندی هستند که در میان آنها، نظام‌های فرهنگ محور در مقایسه با سایر نظام‌ها، از سطح پایداری و استمرار بیشتری برخوردار می‌باشند. (واثق و قره بیگی، ۱۳۹۷: ۱۷۶-۱۷۵)

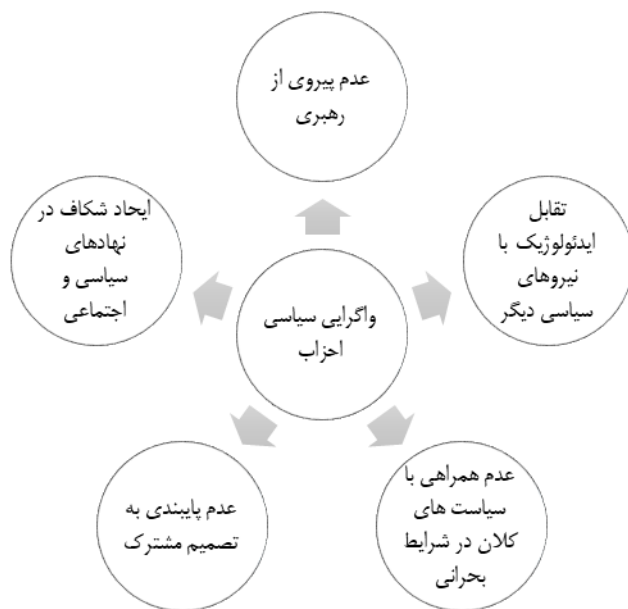
برخی از مشخصه‌های واگرایی سیاسی در بخش احزاب و گروه‌های سیاسی به این قرار است؛ الف. عدم پیروی از رهبری: یکی از شاخصه‌های واگرایی سیاسی در درون نظام سیاسی، عدم تبعیت از رهبری نظام سیاسی است و اتخاذ مواضع علیه عملکرد و ایده‌های رهبر جامعه نیز عاملی در راستای شکاف سیاسی بین گروه و اگرچه و نظام سیاسی حاکم می‌باشد.

ب. عدم پایداری به تصمیم مشترک: گروه‌های سیاسی و اگرچه به تصمیمات مشترک در مسائل راهبردی و کلان جامعه پایبند نیستند و بر دیدگاه‌ها، مواضع و رویکردهای حزبی و جریان خود تاکید می‌ورزند.

پ. همراهی نکردن با سیاست‌های کلان در شرایط بحرانی: این گروه‌ها، با بهره‌گیری از شخصیت‌های با نفوذ خود تلاش می‌کنند تا اندیشه‌های خود را در جامعه بازتاب دهند و عدم همراهی با سیاست‌های اتخاذ شده در سطوح بالای حاکمیتی را به چالش بکشند.

ت. تقابل ایدئولوژیک با نیروهای سیاسی دیگر: گروه‌های سیاسی واگرا، بر ایدئولوژی خود در برابر ایدئولوژی حاکم تأکید می‌ورزند و با تلاش‌های علمی و تئوریک تلاش دارند تا بن‌مایه‌های ایدئولوژی حاکم را به چالش بکشانند.

ث. شکاف در نهادهای سیاسی و اجتماعی: احزاب سیاسی واگرا و جریان‌های مخالف همگرایی در جامعه نیز عامل تفرقه و شکاف در نهادهای حاکمیتی می‌شوند.



نمودار ۱: ویژگی‌های واگرایی سیاسی در احزاب

۳. تطور مواضع سیاسی و واگرایی؛ رویکردهای متناقض نهضت آزادی در

دوران جنگ تحمیلی

نهضت آزادی چه به لحاظ رفتار درون‌سازمانی و چه برون‌سازمانی همواره به نوعی پارادوکسیکال عمل کرد. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۶) در آغاز حمله عراق، نهضت آزادی جنگ را تحمیلی دانست و به مردم نوید پیروزی می‌داد. نهضت آزادی در سال ۱۳۶۰، با اشاره به تجربه یکساله سپاه پاسداران، ارتش و ملت ایران در جنگ، از لزوم ادامه نبرد تا پیروزی سخن گفت.

این جریان، در آبان ۱۳۶۰، مجدداً عراق را محکوم و متجاوز می‌خواند و جنگ را بخشی از توطئه‌های ابرقدرت‌ها بخصوص آمریکا و صهیونیسم علیه جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند. با این حال نهضت آزادی در فروردین ۱۳۶۰ مقاله‌هایی در روزنامه میزان به چاپ رساند که پیامدش در حاشیه نهادن مسئله جنگ بود و به جوسازی و ایجاد تشنج در جامعه دامن می‌زد. (ارجینی و مولوی، ۱۳۹۶: ۱۰۰-۹۹)

از این رو می‌توان بیان داشت که نهضت آزادی در ابتدای امر، از مدافعان انقلاب اسلامی بود و از عملکرد نیروهای نظامی حمایت می‌کرد. در بیانیه نهضت آزادی در رابطه با جنگ ایران و عراق در ۱۴ مهرماه ۱۳۵۹ نیز این موضوع صریحاً اعلام شده است. (قربی، ۱۳۹۵: ۱)

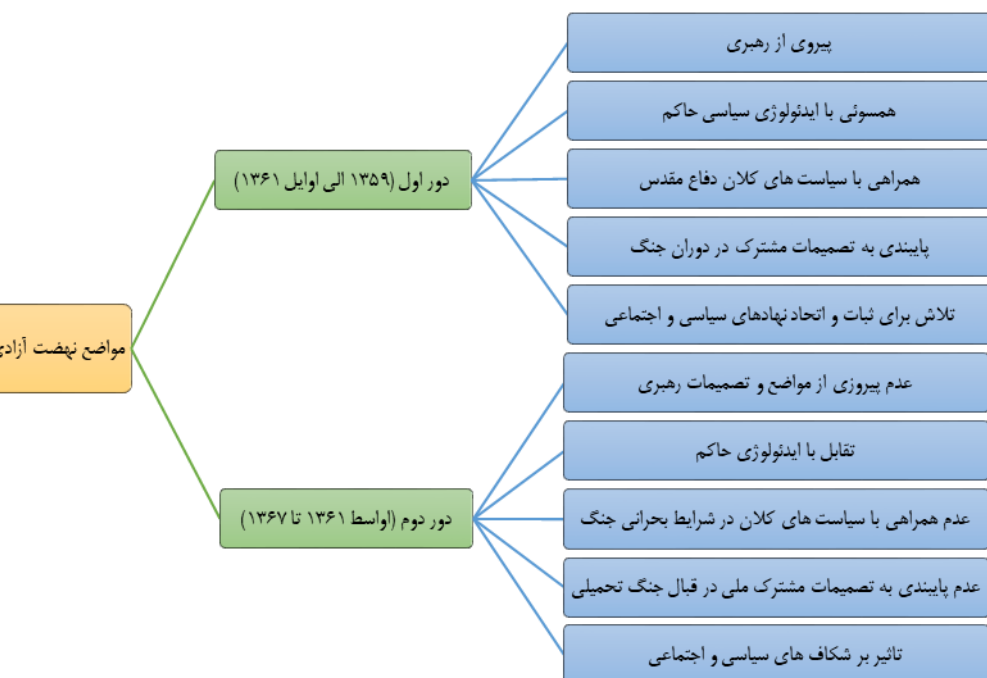
محمد توسلی در خصوص سیر تطور موضوع سیاسی نهضت آزادی در جنگ تحمیلی اشاره می‌کند: «نهضت برای دفاع از ایران و جلب مشارکت مردم در جنگ به موقع بیانیه‌هایی منتشر کرد و خود نیز در حد مقدور مشارکت داشت... ما باور داشتیم که تا فتح خرمشهر اگر همه مردم ایران در راستای دفاع از وطن شهید شوند، وظیفه دینی و ملی است... اما بعد از فتح خرمشهر زمینه مذاکره برای پایان جنگ فراهم شد و ما در آن مقطع گفتیم که باید از طریق دیپلماسی جنگ تمام شود تا کشور بیش از این متحمل هزینه نشود. اما جنگ تا سال ۶۷ ادامه یافت. (توسلی، ۱۳۹۸: ۶)^۱ از این رو، رویکرد نهضت آزادی به دفاع مقدس، یکی از رویکردهای انتقادی بود که توسط یک جریان سیاسی و حزبی نسبت به مسئله دفاع مقدس ارائه گردید و بیش از آن که نقدهای سازنده یا اصلاح‌گرایانه باشد، اصل و ماهیت جنگ تحمیلی را زیر سوال می‌برد. (سوداگر، ۱۳۹۱: ۱۰)

لاجرم، در طی هشت سال جنگ تحمیلی، نهضت آزادی همواره در سال‌های پایانی به تخریب روحیه مردم، نفی دفاع مقدس و محکوم کردن ادامه جنگ اقدام می‌کرد. در یکی از جلسات سازمان ملل متحد، طارق عزیز وزیر امور خارجه وقت عراق، در اثبات ادعای رژیم بغداد مبنی بر جنگ طلبی ایران و صلح طلبی صدام، بارها به جزواتی اشاره کرد که وی آنها را مواضع گروه‌های صلح طلب داخل ایران می‌نامید. این جزوات، اعلامیه‌ها و نوشته‌های نهضت آزادی بود. (غضنفری، ۱۳۹۳: ۶) طی سال‌های ۱۳۶۲ الی ۱۳۶۷، نهضت آزادی به تحریف شعارهای

^۱. در بسیاری از بیانیه‌های سالهای ۶۱-۶۴ صریحاً مخالفت با جنگ میکردند.

جنگ پرداخت و جنگ بهانه‌ای برای اهانت به امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی گردید. (مولوی وردنجانی، ۱۳۹۵: ۱۲۹-۱۲۶)

توضیحات فوق‌الذکر نشان می‌دهد که نهضت آزادی ایران علی‌رغم برخی همگامی‌های مقطعی با انقلاب مردم ایران در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، در قاطبه ادوار حیات خود در سیری موازی و حتی مقابل این نهضت در حرکت بوده است. اختلاف‌های بنیادین و شکاف‌های عمیق نظری بین نهضت آزادی با نهضت اسلامی ملت ایران، شکاف و واگرایی سیاسی میان این جریان با انقلاب اسلامی را افزود. (صدرشیرازی، ۱۳۸۹: ۹۵) به یک معنا، اعتقادات و مشی سیاسی نهضت آزادی در جنگ تحمیلی، وجوهی به خود گرفت که هیچ نسبتی با انقلاب اسلامی نداشت و این تقابل از منظر واگرایی سیاسی، در تضاد با منافع ملی ایران بوده است و نمایانگر نوعی تضارب در سطح اندیشه و عمل نهضت آزادی با حاکمیت سیاسی ایران می‌باشد.



نمودار ۲. سیر تطور سیاسی نهضت آزادی در جنگ تحمیلی براساس واگرایی سیاسی

۴. مواضع سیاسی واگرایانه نهضت آزادی در قبال جنگ تحمیلی و مواضع

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قبال آن

مواضع سیاسی نهضت آزادی علیه جنگ تحمیلی که ماهیتی واگرایانه دارد، به قرار زیر است؛

۵-۱. مخالفت با ایده صدور انقلاب اسلامی

صدور انقلاب از سیاست‌های اختلافی بین جریان انقلابی به رهبری امام خمینی (ره) با نهضت آزادی بود. امام خمینی معتقد بود الگوی حکومتی اسلام منحصر به یک کشور اسلامی نیست همانطور که «پیغمبر اکرم اهل عربستان است لکن دعوتش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوتش مال همه عالم است» نهضتی همچون انقلاب اسلامی هم «دنباله نهضت انبیا» بوده و نباید و نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی» (صحیفه امام، ۱۰/۱۳۷۸: ۴۴۶) همچنین امام برای معرفی جمهوری اسلامی و استقرار اسلام در جهان راه‌های مختلفی پیشنهاد دادند که از جمله آنها تکیه بر «عمل» و «تدریج» در صدور انقلاب بود. (همان/۱۳: ۴۸۶-۴۸۵) بر همین اساس صدور انقلاب از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورد توجه قرار گرفت و پیشنهادهای نیز در این زمینه مطرح کردند که عبارت بود از: تعیین سیاست داخلی در ابعاد چهارگانه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۱۹۶) معرفی انقلاب در سطح دنیا، گسترش فعالیت سفارتخانه‌ها، شرکت در مجامع بین‌المللی، اعزام مبلغین به خرج از کشور (همان، جلسه ۱۴۲) برخی از نمایندگان نیز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را فرصتی برای صدور انقلاب عنوان کردند. از جمله حسین موسوی نماینده مشهد اعلام کرد پیروزی در جنگ با عراق، زمینه‌ای برای آزادی ملت مسلمان عراق فراهم می‌سازد در اینصورت می‌توانیم بگوییم انقلاب خود را به عراق صادر کرده‌ایم. (همان، جلسه ۵۰) بر همین اساس با وجود اینکه این جنگ تحمیلی است ولی هدف اصلی ما که همانا صدور انقلاب به جهان است را تأمین خواهد کرد. (همان، جلسه ۵۹) صادق‌لو نماینده رامیان تأکید داشت با توجه به اینکه اندیشه صدور انقلاب از دستاوردهای امام خمینی است عدول از آن به معنی عدول از خط ولایت فقیه و نفی ارزش‌های انقلاب اسلامی است. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، جلسه ۱۳۹) از این رو از مجلس خواستند با تدوین و تصویب قوانین مناسب، زمینه را برای یک برنامه‌ریزی دقیق و عملی به منظور معرفی انقلاب اسلامی به مردم در جهان فراهم نمایند. (همان، جلسه ۱۱۸) در چنین فضای گفتمانی حاکم بر جامعه، نهضت آزادی از صدور انقلاب به عنوان یکی از دلایل اصلی وقوع جنگ صحبت می‌کند. به نظر بازرگان، حمله عراق

به ایران «طبیعی» بوده و به زعم او و همفکران نهضت آزادی، دنباله طبیعی صدور انقلاب نیز وقوع جنگ با همسایگان می‌باشد. مواضع نهضت آزادی مادامی‌که در قالب دولت موقت، قدرت را در دست داشت، در ابتدا متفاوت به نظر می‌رسید. در سال ۱۳۵۹، موضع‌گیری‌های نهضت، متناسب با فضای جامعه بود. دکتر یزدی در مصاحبه‌ای حمله رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی را ناشی از ماهیت و سرشت حزب بعث از یک طرف و ماهیت و سرشت انقلاب اسلامی از طرف دیگر دانست. نهضت آزادی ایران، بعدها یعنی از سال ۱۳۶۳، آشکارا به تضعیف روانی پشت جبهه سیاسی و اجتماعی جبهه‌های جنگ مشغول شد و تا مرز تقویت دشمن پیش رفت. (کیایی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۱۵) در مواضع سیاسی واگرایانه نهضت آزادی در باب صدور انقلاب آمده است؛ «یکی از علل و اسباب داخلی که موجب تهاجم خارجی به سرزمین انقلاب می‌شود، ذهنیات انقلابیون و رهبران درباره صدور انقلاب است.» (کیهان، ۱۳۹۱: ۱۲)

صدور انقلاب توسط نهضت آزادی به عنوان یکی از دلایل بروز جنگ تحمیلی، با عنوان «فانتزی انقلابی» مطرح می‌شود (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۳: ۳۸) و عنوانی است که این نهضت بدینوسیله طنز و طعنه خود را در نفی این سیاست آشکارا اظهار نموده است. با مراجعه به فرهنگ لغت، ترکیب فانتزی انقلابی نوعی «خیالبافی، تفنن و هوی و هوس انقلابی» معنا می‌دهد. در تحلیل نهضت آزادی پیرامون جنگ تحت عنوان فانتزی انقلابی مسئله «صدور انقلاب» ناشی از «شور و هیجان» زیاد مردم مطرح گردیده است. آنگاه ارتباط این مسئله با وقوع جنگ صراحتاً بیان شده که؛ «یکی از علل و اسباب داخلی که موجب تهاجم خارجی به سرزمین انقلاب کرده می‌شود ذهنیات انقلابیون و رهبران درباره صدور انقلاب است که از آن به فانتزی انقلابی تعبیر شده است.» (سلطانی، ۱۳۸۹) این رویکرد نهضت آزادی در تقابل با فرامین رهبری انقلاب و عدم تبعیت از ایشان محسوب می‌شود.

۲-۵. مخالفت با ورود به خاک عراق

پیروزی در عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر، تحولی مهم و استراتژیک را در منطقه و داخل ایران رقم زد. از این رو در مورد ادامه یا پایان دادن به جنگ بین گروه‌های سیاسی اختلاف شکل گرفت. مجید انصاری نماینده زرنند تصمیم‌گیری در مورد آینده جنگ را مهم خواند زیرا پایگاه حاکمیت آمریکا در عراق را مورد تهدید قرار داده است و افزود تصمیم‌گیری

در این مورد تنها به ایران محدود نمی‌شود زیرا انسان‌های آزاده زیادی هستند که انقلاب ایران را روزنه امید خود می‌دانند. وی در ادامه دلایل ضرورت ادامه جنگ را چنین برشمرد: جبران خسارات وارده بر ایران، دفاع از مردم مظلوم و مسلمان عراق با برقرای نظام اسلامی در این کشور، حفظ حیثیت، وجهه مردمی و جهانی جمهوری اسلامی به عنوان تنها تکیه‌گاه محرومان، ضرورت نابودی پایگاه تغذیه ضد انقلاب، عدم اطمینان از حمله مجدد صدام، لزوم ایجاد پایگاه قدرت اسلامی و مردمی در خاورمیانه. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۳۶۵) سید احمد حسینی نماینده مروشدت نیز تأکید داشت: «ما مرد جنگیم ولی جنگ طلب نیستیم و اگر اصرار بر تداوم جنگ است نه به خاطر توسعه‌طلبی است بلکه دفاع از شرف انسانی و احقاق حق است» (همان، جلسه ۵۰۵) موسوی بجنوردی نیز با اشاره به ابقای تمام دلایل قدرت‌های بزرگ برای تحمیل جنگ بر ایران، تأکید بر ضرورت ادامه جنگ داشت. (همان، جلسه ۵۰۸) موسوی سلیمی نماینده میانه مواضع نهضت آزادی ایران را درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مورد انتقاد قرار داد. سپس اطلاعیه آنها را در نوروز ۱۳۶۵ مورد خطاب قرار داد که ادامه جنگ را نابودی اقتصادی و سیاسی ملت ایران قلمداد کرده بودند. سلیمی در پاسخ آنها اعلام داشت اگر قانون مدار هستید با توجه به آنچه در قانون اساسی آمده تصمیم‌گیری درباره جنگ و تداوم آن برعهده رهبر است و اگر متشرع و اهل دین هستید باید از مرجع اطاعت کنید و اگر دموکراتیک و به رأی مردم اعتماد و اعتبار قائل می‌شوید، مردم جنگ و ادامه آن را خواهان هستند و شعار و اظهارات آنها یک فریاد مردمی است. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، جلسه ۲۵۸) در چنین فضایی نهضت آزادی، رویه-ای کاملاً متفاوت در قبال ادامه جنگ پیش گرفت. یک سال پس از فتح خرمشهر و به رغم انسداد فضای سیاسی کشور، نهضت آزادی به منظور رفع اتهام از دولت موقت که به سستی در مواجهه با عراق متهم شده بود، برای نخستین بار با طرح پرسش‌هایی، ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را بدون توجه به ملاحظات راهبردی مورد پرسش قرار داد. از این رو، نهضت آزادی خواستار پایان جنگ شد، ولی از آنجا که درخواست‌های مزبور مغایر منافع نظام جمهوری اسلامی و جنگ تشخیص داده شد، نه تنها به آنها پاسخی داده نشد، بلکه عکس‌العمل سختی نیز علیه آن صورت گرفت. اولین بیانیه نهضت آزادی پس از فتح خرمشهر، تأکید بر پایان جنگ بود. نهضت آزادی به منظور توجیه و جا انداختن نظرات خود مبنی بر مخالفت با

استمرار جنگ و لزوم صلح، پیامدهای جنگ و سود و زیان حاصله از آن را تماماً به زیان ملت ایران تحلیل می‌نمود. در راستای همین تحلیل، مهدی بازرگان در یک سخنرانی تحت عنوان «تداوم و تحول انقلاب»، مدعی شد که ادامه جنگ تماماً به سود آمریکا و سایر قدرتها و در جهت منافع آنها و برخلاف مصلحت اسلام و مسلمانان است. (حضرتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۴-۹۳) این رویه نهضت آزادی را می‌توان مصداق عدم همراهی نهضت آزادی با سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در شرایط بحرانی جنگ دانست.

ابراهیم یزدی در مصاحبه‌ای اشاره می‌کند؛ «نهضت آزادی ابتدا مایل نبود مخالفت خود را با ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر علنی اظهار کند. در یک گفتگوی خصوصی به اتفاق شادروان مهندس بازرگان با آقای هاشمی رفسنجانی درباره ادامه جنگ ابراز نگرانی و مخالفت کردیم. هنگامی که معلوم شد جنگ را ادامه می‌دهند در ۱۱ شهریور ۱۳۶۱ پنج عضو نهضت آزادی ایران در مجلس شورای اسلامی، آقایان مهندس بازرگان، سحابی، سید احمد صدر حاج سید جوادى، مهندس صباغیان و ابراهیم یزدی طی نامه‌ای به رئیس مجلس درخواست تشکیل جلسه غیر علنی مجلس را کردیم تا نظرات خود را بیان کنیم. رئیس وقت مجلس با این درخواست ما مخالفت کرد...» (یزدی، ۱۳۹۳: ۱)

مهدی بازرگان در نامه‌ای محرمانه به امام خمینی (ره) در تاریخ سوم اسفند ۱۳۶۲، ادامه جنگ و ورود به خاک عراق را نادرست اعلام می‌کند و اشاره می‌دارد؛ «مجزر ادامه جنگ و تجاوز به داخل عراق با شعار سقوط صدام و حزب بعث و تعرضهای دیگر، برای ما روشن نیست.» (بازرگان، ۱۳۶۲: ۱)

پیروزی در عملیات بیت‌المقدس از طرفی بی‌ثباتی سیاسی داخلی را انسجام بخشید و از طرفی با افزایش انگیزه رزمندگان، زمینه کسب پیروزی‌های بیشتر را فراهم آورد. بنابراین با توجه به فضای انقلابی آن زمان و تداوم رویکرد خصمانه قدرت‌های بزرگ در قبال ایران، جمع‌بندی فکر و روش کارگزاران ایرانی از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر تداوم جنگ با نیروهای عراقی بود تا جایی که این تصور شکل گرفت که اگر ایران در موضع دفاعی قرار گیرد و به مرزهای خود محصور گردد، امنیت نظام مختل می‌شود بنابراین موضع‌گیری گروه‌هایی چون نهضت آزادی در قبال تداوم جنگ با واکنش مواجه شد.

۳-۵. اتهامات ناروا به مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران

یکی از مسائل راهبردی در سرنوشت نهضت آزادی که تعمیق بخش واگرایی سیاسی در جامعه ایرانی بود، ناهماهنگی این نهضت با نهادهای انقلابی نظیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نهادهای انقلابی بود. (صدیقی، ۱۳۷۶: ۱۵۷) این در حالی بود که تا سال ۱۳۶۲، نهضت آزادی از فعالیت‌های نیروهای نظامی ایران حمایت می‌کرد (سحابی، ۱۳۶۲: ۱) اما پس از فتح خرمشهر به منظور رفع اتهام از نقش منفعلانه دولت موقت در شروع جنگ، با انتشار بیانیه‌هایی مانند «جنگ و صلح» و «مذاکره، آتش بس و صلح»، بر ضرورت اتمام جنگ تأکید کردند، و اغلب با انتقاد از عملکرد تصمیم‌گیرندگان نظامی و مسئولان دولتی و دیپلماسی و تأکید بر ضعف این دستگاه و... آنها را از عوامل اصلی تداوم جنگ برشمردند. نهضت آزادی به دنبال انتقاد مقامات سیاسی و نظامی در فرایند جنگ تحمیلی، انحصارطلبی جناح حاکم و شعارهای آرمانگرایانه و تلاش جهت صدور انقلاب و ضعف دستگاه دیپلماسی کشور را در استفاده از فرصت‌ها، از موانع اصلی خاتمه جنگ دانسته، و سیاست انتقادی خود را حتی پس از خاتمه جنگ نیز ادامه داد. (حضرتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۹)

در نامه‌ای سرگشاده به سپاه پاسداران، نهضت آزادی اشاره می‌کند که این نهاد سیر قهقرائی را پیموده و درست جهت خلاف انقلاب در حرکت است. (نهضت آزادی، ۱۳۶۲: ۱)

علاوه بر نهادهای نظامی، نهضت آزادی، مسئولان و مقامات کشوری را متهم به بی‌قانونی و فساد می‌کند و در بیانیه دوم خرداد ۱۳۶۰ خود با عنوان "بیانیه نهضت آزادی ایران پیرامون بحران کنونی کشور" این موضوع را مورد اشاره قرار دادند. (نهضت آزادی، ۱۳۶۰: ۲) این رویکرد نهضت آزادی منجر به ایجاد شکاف در نهادهای سیاسی، نظامی و اجتماعی می‌شد و بسترهای واگرایی نهضت آزادی با مسئولان بالادستی نظام را فراهم می‌آورد.

۴-۵. انتقاد و استحاله شعارهای مربوط به دفاع مقدس

در این که اندیشه مسلط بر فضای انقلاب یک اندیشه دینی و اسلامی بود جای هیچ شک و تردیدی وجود ندارد، اما برخی از اعضای دولت موقت نتوانستند خود را با ارزش‌های انقلاب اسلامی به طور کامل هماهنگ کنند و حتی علیه مبانی دینی و انقلابی در دوران دفاع مقدس اظهاراتی نمودند که برخلاف واقع بود. (کیایی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۸) در بیانیه "پایان عادلانه جنگ بی‌پایان" اشاره شده است که شعارهایی مانند «پیش به سوی جبهه‌ها برای فتح کربلا»، «جنگ جنگ تا پیروزی» و بالاخره «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم» بعد از فتح خرمشهر، درست یا

نادرست همه آنها لحن تهاجم و تجاوز را دارند و غیر دفاعی هستند و دوست و دشمن معترف و مدعی این نکته بوده‌اند. (نهضت آزادی، ۱۳۶۴: ۱)

نهضت آزادی تاکید داشت که توجه به اهمیت فعالیت‌های دیپلماسی در جنگ باعث آن خواهد شد که مقامات مسئول در خطبه‌ها، مصاحبات و نوشته‌های خود احتیاط بیشتری به خرج داده و از دادن شعارهایی که ممکن است به قیمت جان عده‌ای از مسلمانان تمام بشود، خودداری کنند. (نهضت آزادی، ۱۳۶۳) در جزوه "روزنه‌های امید" که توسط نهضت آزادی در بیستم اسفند ۱۳۶۴ منتشر شده، نگرشی انتقادی به شعارهای انقلابی ارائه شده است. (نهضت آزادی، ۱۳۶۴: پ ۲)

این جریان سیاسی، شعارهای انقلابی را عاملی برای گسترش جنگ می‌دانند و تاکید دارند که غایت و اهداف مطرح شده در این شعارها، مطلوب جامعه ایرانی نیست؛ زیرا ایران را به سمت ناکجا آباد سوق خواهد داد. (نهضت آزادی، ۱۳۶۴) از منظر این جریان، شعارهای مطرح شده در جنگ تحمیلی نیز فتنه انگیز، ناروا، استقبال کننده از نابودی، فنا کننده مملکت، لحن تهاجمی، فسادانگیز و... می‌باشند (ارجینی و مولوی، ۱۳۹۶: ۱۱۰-۱۰۹) و با توجه به چنین رویکردی، خواهان جلوگیری از پخش این شعارها و اصلاح آنها شدند.

۵-۵. سیاه‌نمایی وضعیت ایران در بحبوحه جنگ تحمیلی و تزریق ناامیدی در جامعه

ایجاد یاس و ناامیدی نسبت به جنگ در جامعه ایرانی یکی از دستاوردهای نهضت آزادی محسوب می‌شود. در اغلب بیانیه‌ها و مکتوبات نهضت آزادی در طول جنگ تحمیلی، به بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام جمهوری اسلامی و مسئولان دامن زده می‌شد. به طور مثال، در تیرماه ۶۴ نهضت آزادی بیانیه‌ای منتشر کرد با این مضمون که؛ «مسئله جنگ تحمیلی پنج سال است در رأس تمام مسائل و مصائب کشورمان قرار گرفته و سایه شوم خود را بر انقلاب و بر نظاممان افکنده است... متأسفانه در امر جنگ مراجعه به مردم و به صاحب‌نظران، حتی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خیلی کمتر از امور دیگر و تنها از طریق تصمیمات و تبلیغات یک‌طرفه خودشان، به عمل می‌آید و مطالعات صحیح روی عوامل پیچیده و جوانب گوناگون هولناک چنین فاجعه بزرگ صورت نمی‌گیرد.» (قربی، ۱۳۹۵: ۲-۱) بیانیه‌های مشابه مضامین فوق، به وفور در آراء و اندیشه رهبران نهضت آزادی دیده می‌شود که سبب بی‌اعتمادی مردم به مسئولان و فرماندهان جنگ می‌شد. در عین حال، تلاش در سیاه و منفی‌نشان

دادن فضای جامعه در عملکرد این نهضت به خوبی نمایان است. به عنوان مثال، نهضت آزادی در یکی از پیام‌های خود وضعیت جامعه ایران را هلاکت آور، بحرانی، آشفته، به هم ریخته و... توصیف می‌کند. (همان: ۲-۱)

نهضت در اواخر جنگ تحمیلی، در نامه‌ای به امام خمینی (ره) با عنوان هشدار پیرامون تداوم جنگ خانمانسوز چنین به سیاه‌نمایی می‌پردازد؛ «مردم شرافتمند و انقلاب کرده ایران به جز معدود مخصوص.. در مجموع از انقلاب و از انحرافها و آثار آن سرخورده‌اند نه جنگ را قبول دارند، نه از ضربات آن استقبال می‌نمایند و نه بر مناظر دلخراش بمب و موشک خنده می‌کنند...» (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۷: ۱) در تحلیلی کاملاً منفی از دستاوردهای جنگ تحمیلی برای ایران، نهضت آزادی تمامی رشادت‌ها و شهادت‌ها را بی‌اثر و فاقد ثمر برای ایران می‌داند. (نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۴: پ: ۲)

۵-۶. غرب‌گرایی؛ تمایل نهضت آزادی به تعامل با آمریکا

تمایل نهضت آزادی به تعامل با آمریکا از سوی نمایندگان مجلس مورد نکوهش قرار گرفت. علی آقا محمدی نماینده همدان با اشاره به تلاش بیشتر حکومت‌های دنیا برای استقرار حاکمیت آمریکا، جنگ ایران با ابرقدرت‌ها را یک جنگ برخاسته از عقیده دانست. سپس تلاش آمریکا را برای جایگزین کردن جبهه ملی و نهضت آزادی به جای حکومت پهلوی عنوان کرد و اعلام داشت پس از آنکه در این زمینه با شکست مواجه شد دشمنی خود را در زمینه‌های دیگر شروع و آغاز کرد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۱۷۳) سید محسن موسوی تبریزی نماینده تبریز نیز نهضت آزادی را یک خط انحرافی، غرب‌گرا و عامل آمریکا دانست. در ادامه سازمان مجاهدین خلق را نیز فرزند صالح آنها نامید. (همان، جلسه ۳۲۰) علی موحدی ساوچی نماینده ساوه پیروان نهضت آزادی را به عنوان اعمار آمریکا معرفی کرد که درصدد هستند با ایجاد خطوط انحرافی مسائل فرعی را اصلی جلوه دهند. (همان، جلسه ۳۵۸) کامل عابدین‌زاده نماینده خوی، با آمریکایی خواندن نهضت آزادی، موارد اتهام آنها را توطئه انحلال مجلس خبرگان، سپردن پادگانهای مناطق کردنشین ایران اسلامی به دموکراتها و عزالدین حسینی، واگذاری بیت المال به منافقین، خالی کردن پادگانها از سربازهای با تجربه و ملاقات با برژینسکی و ارتباط با سفارت آمریکا دانست. (همان، جلسه ۳۶۰) سید حسن موسوی تبریزی نهضت آزادی را خائن و در ردیف آمریکا، شوروی،

صدام، عربستان و اسرائیل قرار داد که هماهنگ و متحد در مقابل اسلام مقابله و مقاومت می‌کنند. (همان، جلسه ۳۶۳) عزت‌الله دهقان نماینده تربت‌جام، محمدکاظم صبوری نماینده شیروان و آقا محمدی نماینده همدان نیز نهضت آزادی را سرسپرده داخلی آمریکا، امید آمریکا معرفی کردند. (همان، جلسه ۳۸۰؛ ۳۸۲؛ ۴۵۲)

در حقیقت نهضت آزادی سعی داشت به رغم پیروزی ملت ایران بر آمریکا، شاه و دیگر ابر قدرت‌ها، این نکته را در باور همه بگنجانند که ایران برای گام نهادن در راه توسعه و دسترسی به دستاوردهای تکنولوژی پیشرفته و حتی استمرار حیات به یاری و کمک ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای غربی نیازمند است. (حاجی زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۳) رهبران نهضت آزادی پس از کنار زده شدن از قدرت، به خاطر اینکه دچار مرگ سیاسی نشوند با تاکید بر آزادی و تعامل با کشورهای منطقه، مخصوصاً کشورهای غربی، اصول سیاسی خود را مخالفت با حکومت بیان می‌دارند؛ تا بتوانند نظر کشورهای غربی را به خود جلب کنند و برای نظام مشکل آفرینی کنند. (ارجینی و مولوی، ۱۳۹۶: ۹۹) سیاست خارجی دولت موقت بر برقراری رابطه با آمریکا استوار بود. مهندس بازرگان یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مصاحبه با خبرنگار نیویورک تایمز چنین گفت که دولت ایران مشتاق است روابط خوب خود با آمریکا را از سر بگیرد. بنابراین سیاستی که بازرگان و اعضای نهضت آزادی در رابطه با آمریکا علی‌الخصوص در زمان جنگ تحمیلی در پیش گرفته بود، هیچ تشابهی با مواضع و آرمان‌های امام (ره) نداشت. (کیایی نژاد، ۱۳۹۳: ۸۹-۸۸)

۷-۵. تلاش برای تغییر حاکمیت سیاسی و ارتباط با گروه‌های معاند با جمهوری اسلامی
موضوع قابل اهمیت در ارتباط با نهضت آزادی از نگاه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ارتباط آنها با گروه‌های معاند بود. فواد کریمی نماینده اهواز، با اشاره به انشعاب سازمان مجاهدین خلق از نهضت آزادی معتقد بود گرچه مجاهدین خلق یک سازمان با مشی مبارزه مسلحانه است اما ماهیت و خطشان با خط نهضت آزادی تفاوتی نمی‌کند و اگر بعضی از عناصر مؤمن و مسلمان در این گروه‌ها حضور دارد اما خط اصلی و رهبری کلی، خط فراماسونری آمریکائی بوده است. کریمی سپس با استناد به سخنان شهید آیت‌افزود بعد از بنی صدر، خط او را در مجلس، نمایندگانی از اعضای نهضت آزادی دنبال می‌کنند که همانا خط فراماسونری آمریکائی هستند و مجلس باید هرچه زودتر این جریان را تسویه کند. (مشروح

مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۱۹۲) عباس عباسی نماینده میناب نیز اسلام خواهی نهضت آزادی را ظاهری خواند و افزود نهضت آزادی خود را تحت پوشش اسلام قرار داده است. سپس ارتباط نهضت آزادی را با گروهک‌های مختلف چون جاما و سازمان مجاهدین خلق مورد اشاره قرار داد. (همان، جلسه ۲۱۸) سید احمد کاشانی نماینده نطنز و قمصر ریشه‌های فکری و سیاسی سازمان مجاهدین خلق را مأخوذ از مبانی و منابع آموزشی نهضت آزادی دانست. (همان، جلسه ۲۲۴) مسلم میرزاپور نماینده مردم رودبار نیز سازمان مجاهدین خلق را یک خط طبیعی نهضت آزادی دانست. میرزاپور سیاست نهضت آزادی را یک سطح بینابینی و نوعاً به نفع خائنین به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی دانست. سپس مقاله مهندس بازرگان در روزنامه میزان تحت عنوان «کی باید برود» را مورد اشاره قرار داد و مدعی بود منظور وی مجلس شورای اسلامی است. در حالیکه امام خمینی، مجلس را رکن اساسی جمهوری اسلامی و اساس ثبات و استقرار حاکمیت مردمی اسلام می‌داند. در ادامه افزود نهضت آزادی عملاً مسیر حرکتش مخالف خط امام بوده است و استناد وی در اینباره مقاله مهندس بازرگان تحت عنوان «فرزند مکتبی و مجاهد» است که در آن همه پیروان خط امام را به باد تمسخر می‌گیرد. وی اعلام داشت نهضت آزادی، سازمان مجاهدین خلق را خائن و آمریکائی نمیداند این در حالی است که امام خمینی آنها را آمریکایی و در خدمت آمریکا معرفی می‌کند. (همان، جلسه ۲۲۶) علی اکبر رضوانی نماینده فیروزآباد پس از حادثه انفجار بمب در اطراف پارک شهر تهران در شهریور ۱۳۶۱، نهضت آزادی و سکوت آنها را در برابر این جنایات به نقد کشاند. (همان، جلسه ۳۵۶) احمد زامیان نماینده نهاوند نیز در معرفی دشمنان انقلاب و امام، نهضت آزادی را معرفی و اعلام کرد این گروه نیز همپای متحدین غرب و شرق و سایر گروهک‌های ضد انقلاب در برابر امام خمینی قد علم کرد. وی در ادامه افزود آمریکا پس از ناتوانی در جبهه‌های جنگ، در صدد مطرح کردن و بزرگ کردن چهره‌های نهضت آزادی است تا از طریق آنها به مقاصد خود دست یابد. (همان، جلسه ۳۶۲)

محمد رشیدیان نماینده بهبهان نیز در سخنانی اعلام کرد همراه با جنگ خارجی، ایادی آمریکا و گروهکها اعلام جنگ مسلحانه داده‌اند و بدین وسیله همه طیف ضد انقلاب آماده برای یک کودتای خیالی و واهی هستند. نهضت آزادی نیز یکی از زمینه سازان کودتا است که آگاهانه یا ناآگاهانه فرزندان خودش را به نام مجاهدین خلق تشویق می‌کند. (همان، جلسه ۳۶۴) محمد

فروغی نماینده مسجد سلیمان، نامه سرگشاده نهضت آزادی به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی را اسلحه کشیدن به سوی امام و جمهوری اسلامی دانست. وی معتقد بود نهضت آزادی با این اقدام دستاوردهای انقلاب را قشری و به باد سخره گرفته است. (همان، جلسه ۳۷۸) علی معرفی‌زاده نماینده شادگان، از اقدام نهضت آزادی در ارسال نامه سرگشاده خود به آقای هاشمی رفسنجانی به شادگان خبر داد و عمل آنها را در این شرایط جنگی و در یک شهر جنگ‌زده «غیر عادلانه» خواند و خطاب به اعضای نهضت آزادی اعلام داشت اجرای چنین اعمالی نمی‌تواند گفته‌هایشان را رد و همکاری با دشمنان انقلاب را منکر کند. (همان، جلسه ۳۸۵)

در حقیقت عملکرد نهضت آزادی، منتج به چنین نتیجه‌گیری از سوی نمایندگان مجلس در مورد آنها شد. چهارمین کنگره نهضت آزادی ایران (کنگره شهید چمران) مورخ آبان ۱۳۶۰ تأکید می‌کند که نهضت آزادی ایران توطئه‌ها و تلاش‌های مذبوحانه و خائنانه را به هر شکلی و به هر اسمی از جانب هر فرد یا گروهی که باشد محکوم نموده و آن را در جهت منافع دشمنان انقلاب و سیاست‌های تجاوزکارانه خارجی می‌داند. (نهضت آزادی، ۱۳۶۰ الف: ۱) در قطعنامه کنگره پنجم نهضت آزادی ایران در اسفند ۱۳۶۱ آمده است که نهضت آزادی ایران براندازی نظام جمهوری اسلامی و التجاء و اتکاء به بیگانگان و به دشمنان انقلاب و اسلام را نیز مردود و محکوم می‌شمارد. (نهضت آزادی، ۱۳۶۱: ۱) این در حالی است که در سال ۱۳۶۴ تأکید می‌ورزند نهضت برخلاف کسانی که قائل هستند در زمان انحصار حاکمیت باید سکوت کرد یا به قدرت‌های خارجی دل بست، اعتقاد دارد تنها راهی که اگر مورد تمایل و تأیید مردم قرار گیرد نجات‌بخش خواهد بود؛ خیزش همگانی است و چنانچه حاکمیت، حاضر به تغییر رویه خود و پذیرفتن صادقانه قانون اساسی نشود، تنها راه منطقی و موثر برای نجات کشور، تغییر حاکمیت در چارچوب نظام جمهوری اسلامی با اتکا و استفاده از قانون اساسی می‌باشد. (ارجینی و مولوی، ۱۳۹۶: ۱۰۱) در بیانیه «چه باید کرد؟» تأکید می‌شود: «به نظر نهضت آزادی ایران، تنها راهی که اگر مورد تمایل و تأیید مردم و همکاری و فداکاری آنها قرار گیرد نجات‌بخش و سعادت‌آور خواهد بود، قیامی است همگانی برای استیفای حقوق ملت و به ثمر رساندن واقعی انقلاب...» (نهضت آزادی، ۱۳۶۴: ۱)

ابراهیم یزدی در کنگره هفتم نهضت آزادی در مورخه ۱۸ بهمن ۱۳۶۳، خط مشی براندازی

نظام را چنین تبیین می‌کند: «نهضت آزادی ایران معتقد است که باید حاکمیت فعلی را از طریق قانونی و منطقی و پارلمانی سرنگون کرد ... ادامه بحران فعلی مملکت، شرط لازم براندازی رژیم حاکم می‌باشد اما شرط کافی نیست ... شرط کافی موقعی ایجاد می‌گردد که در ذهنیت مردم، عنصر جانیشینی ملحوظ گردد. نهضت می‌باید به عنوان این عنصر جایگزین عمل نماید.»
بازرگان در شهریور ماه ۱۳۶۴، در نامه‌ای که خطاب به ایرانیان مقیم اروپا نوشته بود، از مبارزه آنان علیه حاکمیت ایران تجلیل کرد. وی همچنین آن‌ها را به اتحاد با یکدیگر و آمدن به ایران و فریاد علیه مسئولین در داخل فراخواند. در سال ۱۳۶۵، جزوه آموزشی محرمانه نهضت آزادی به نام «تدوین استراتژی مبارزه» تدوین شد که در آن نسبت به مبارزه مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی تصریح شده بود. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶: ۱-۲)

۵-۸. تاکید بر صلح‌گرایی در تقابل با مواضع سیاسی امام خمینی (ره)

در طول جنگ تحمیلی، هر زمان عراق در موضع ضعف قرار می‌گرفت، خواستار صلح می‌شد و طرح‌هایی که بدین منظور پیشنهاد می‌شد مغایر خواسته‌های ایران بود از این رو با مخالفت کارگزاران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی مواجه می‌شد. به دنبال فتح خرمشهر، عراق بار دیگر خواستار برقراری صلح شد. در همین رابطه دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی در ۳۱ مرداد ۱۳۶۱ با تأکید بر لزوم پیروزی ایران بر عراق اعلام کرد هر گونه حمایت از هیأت‌های صلح و به کارگیری شیوه‌های دیپلماتیک در این زمینه، دال بر سرسپردگی تعبیر می‌شود. (گرگانی، ۱۳۸۴: ۵۷) مجید انصاری نماینده زرنند، تکاپوی صدام و متحدانش برای برقراری صلح را مورد انتقام قرار داد و اعلام داشت طرح مسأله صلح و استفاده از آن به عنوان یک اهرم فشار سیاسی از جانب کسانی که خود آغازگر جنگ بودند، این حقیقت را تداعی می‌کند که آنها از صلح همان اهدافی را تعقیب می‌کنند که از طریق جنگ به دنبال آن بودند که همانا تثبیت و و تحکیم موقعیت صدام در منطقه است. (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۳۶۵) اخلاقی‌نیا نماینده سیرجان حامیان صدام را «مدعیان دروغین صلح و مدافعین ادعایی حقوق بشر» خواند و افزود صلح ادعایی عراق، نوعی جنگ است زیرا اگر متجاوز تنبیه نشود هیچگونه تضمینی برای صلح و امنیت کشورها وجود نخواهد داشت. (همان، جلسه ۳۶۷) احمد عطاری نماینده اراک، تلاش عراق برای برقراری صلح رو نوعی فرصت برای «تجدید قوا» تعبیر کرد و با اشاره به تلاش حامیان عراق در حمایت از

صلح، اعلام کرد آنها درصدد ایجاد صلح به منظور حفظ عراق جهت حفظ منافع حیاتی خود در منطقه هستند» (فی الواقع اینان از صلح گفتند بی آنکه در این گفتار اندیشه صلح مایه باشد) (همان، جلسه ۵۲۹) در چنین فضای انقلابی و گفتمانی، هر نوع همراهی با صلح عراق و حامیان آن واکنش‌هایی را به دنبال داشت. از این رو موضع‌گیری نهضت آزادی در برابر امام خمینی، مخالفت نمایندگان را به دنبال داشت. عباس عباسی نهضت آزادی ایران را «زحمت زیادی ایران» خواند و موضع‌گیری‌های این گروه سیاسی را در موارد مختلف در تناقض با خط امام و ولایت دانست و از دولت خواستار انحلال آن شد و یا اینکه لایحه آن را به مجلس دهد تا مجلس تصمیم بگیرد (همان، جلسه ۵۱۰) اسماعیل فدایی نماینده سربند نیز معتقد بود نهضت آزادی با اقداماتش درصدد کم کردن یا از بین بردن وجهه امام است و خواستار محاکمه آنها شد. (همان، جلسه ۵۲۵) علی‌اکبر پوراستاد نماینده تهران نیز نهضت آزادی را مخالف روحانیت و ولایت فقیه خواند. (همان، جلسه ۵۲۶)

بررسی عملکرد نهضت آزادی در قبال صلح‌گرایی حاکی از مخالفت این جریان سیاسی با اکثریت جامعه سیاسی در قبال این موضوع است. نهضت آزادی در جزوه "مذاکره، آتش‌بس، صلح" اشاره می‌کند؛ «گذشته از اینکه مذاکره با دشمن بر طبق سنت و سیرت اولیای دینمان نه تنها محکوم و مذموم نیست بلکه پسندیده و معمول نیز بوده است. در روابط متداول بین‌المللی و در منطبق مخاصمات امروزی نیز نه سیاست غلط و خلاف شناخته شده است و نه به معنای سازش و تسلیم می‌باشد...» (نهضت آزادی، ۱۳۶۴: پ: ۱) سحابی تداوم جنگ را امری «بی‌منطق» توصیف می‌کند که برای ملت ایران نیز کمرشکن بوده است. (سحابی، ۱۳۸۴: ۲۷۰)

اعضای نهضت آزادی، دستگاه دیپلماسی کشور را در زمان جنگ تحمیلی، ناکارآمد توصیف کردند و اعتقاد داشتند باید فضای مناسب برای صلح را فراهم می‌کردند. (نهضت آزادی، ۱۳۶۳) این مواضع در حالی بود که امام خمینی (ره) به عنوان رهبر جمهوری اسلامی، خواستار احقاق حقوق ملت ایران بودند و صلح را در شرایط نابرابر نمی‌پذیرفتند.

بازرگان با تأکید بر آیات و روایات تلاش داشت تا مسئله صلح را مورد تأکید قرار دهد (بازرگان، ۱۳۸۹: ۵۴) ولی به نظر می‌رسد استدلال‌های متعدد نهضت آزادی در خصوص ضرورت و اهمیت موضوع صلح و مخالفت با تداوم جنگ، از یک سو تداعی‌کننده تفاوت نوع نگاه آنها با انقلابیون و تحلیل موضوع جنگ در قالب گفتمان ملی‌گرایی مذهبی است، و از

سوی دیگر، تلاش آنها برای اثبات مباحث ایدئولوژیک مطرح شده بر مبنای قرآنی، اسلامی و فهم آنها از مباحث مزبور است. با توجه به توضیحات فوق، مواضع نهضت آزادی در جنگ ایران و عراق، از دفاع کامل از جنگ و حمایت از اخراج متجاوز تا انتقاد شدید از ادامه جنگ و تلاش برای خاتمه آن در قالب صلح شرافتمندانه در تغییر بوده است. (حضرتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۸) تاکید بر روند صلح و نامه‌های اعتراضی به امام خمینی (ره) از سوی نهضت آزادی، نوعی اهانت به جایگاه و عملکرد رهبری بوده است. باید اشاره شود که مجموعه رویکردهای فوق باعث جدایی نهضت آزادی از امام خمینی (ره) شد. این امر از تفکرات و دیدگاههای آنها سرچشمه می‌گرفت. از سوی دیگر، تاییدهای امام خمینی (ره) در مورد اقدامات نیروها و نهادهای انقلابی موجب ایجاد شکاف عظیم میان دولت و آن نهادها شد. (راعی گلوچه، ۱۳۸۳: ۴۲)

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا عملکرد نهضت آزادی در هشت سال جنگ تحمیلی مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد و برای این منظور از چارچوب واگرایی سیاسی بهره گرفته شد و برخی از یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که نهضت آزادی در حوزه‌های زیر با گفتمان انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) واگرایی داشته‌اند؛ ایده صدور انقلاب اسلامی، ورود به خاک عراق، اتهامات ناروا به مقامات سیاسی و نظامی در فرایند جنگ تحمیلی، انتقاد و استحالہ شعارهای مربوط به دفاع مقدس، سیاه‌نمایی وضعیت ایران در بحبوحه جنگ تحمیلی، تزییق ناامیدی در جامعه، غرب‌گرایی، تاکید بر صلح‌گرایی در تقابل با مواضع سیاسی امام خمینی (ره) و غیره. با آشکار شدن مواضع نهضت آزادی در قبال جریانات و رویدادهای مختلف بالاحص جنگ، نمایندگان سه دوره اولیه مجلس را که بیشتر نمایندگان در خط امام تشکیل می‌دادند در نطق‌های پیش از دستور به اعلام موضع در برابر آنها پرداختند و مواضع نهضت آزادی را به چالش کشاندند. محورهای اصلی صحبت‌های آنها در چند موضوع شامل گرایش نهضت آزادی به غرب و آمریکا، ارتباط با گروه‌های معاند جمهوری اسلامی بالاحص سازمان مجاهدین، ایستادگی در برابر سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی و تمایل به لیبرالیسم خلاصه می‌شود. آنها این مؤلفه‌ها را دلیل اصلی واگرایی سیاسی نهضت آزادی از انقلاب و امام عنوان کردند.

منابع

۱. ارجینی، حسین و عیسی مولوی (۱۳۹۶): «تحلیل و بررسی عملکرد نهضت آزادی در جنگ تحمیلی و مواجهه با انقلاب اسلامی»، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، تابستان، شماره ۴۹.
۲. اندام، حسین (۱۳۹۲): «اهمیت همگرایی در ایجاد حماسه سیاسی و اقتصادی»، رویش، هفتم فروردین ۱۳۹۲.
۳. بازرگان، مهدی (۱۳۶۲): «نامه محرمانه دبیرکل نهضت به رهبر انقلاب در مورد جنگ، تهران، نهضت آزادی ایران».
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۸۹): «بازیابی ارزش‌ها، تهران، نشر بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان».
۵. بهرامی، قدرت‌الله و جواد احمدی (۱۳۹۰): «نهضت آزادی ایران، قم، انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی».
۶. توسلی، محمد (۱۳۹۸): «دولت موقت نهضتی نبود»، گفتگو از مهرشاد ایمانی، روزنامه شرق، بیست و سوم مرداد، شماره ۳۵۰۰.
۷. حاجی‌زاده، سیروس (۱۳۸۵): «بررسی نظری و تاریخی مواضع نهضت آزادی ایران در برخورد با انقلاب اسلامی، فصلنامه پانزدهم خرداد، شماره ۷».
۸. حضرتی، حسن و دیگران (۱۳۹۵): «جنگ ایران و عراق در گفتمان سیاسی نهضت آزادی ایران»، فصلنامه ژرفا پژوه، سال سوم، زمستان، شماره ۱۰.
۹. درویشی، فرهاد و سمیرا مظفری (۱۳۹۷): «بررسی عوامل تأثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و مصر»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره هفتم، بهار، شماره ۲۵.
۱۰. دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۶۸): «نهضت آزادی در اندیشه و عمل: نقد و بررسی مبانی فکری و اصول سیاسی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم».
۱۱. راعی گلوجه، سجاد (۱۳۸۳): «شاهکار دولت موقت!»، ماهنامه زمانه، سال سوم، آبان، شماره ۲۶.
۱۲. رحمتی، اصغر (۱۳۹۳): «شکل‌گیری نهضت آزادی ایران، تهران، انتشارات رشد فرهنگ».
۱۳. رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۳)، درآمدهای بر مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات تیسرا.
۱۴. سحابی، عزت‌الله (۱۳۸۴): «ناگفته‌های انقلاب و مباحث بنیادی ملی، تهران، نشر گام نو».
۱۵. سحابی، یدالله (۱۳۶۲): «جنگ ایران و عراق (سخنان دکتر یدالله سحابی در مجلس شورای اسلامی)».

- بی‌جا، نهضت آزادی ایران.
۱۶. سلطانی، مجتبی (۱۳۸۳): «اسلامگراهای لیبرال»، *ماهنامه زمانه*، سال سوم، آبان، شماره ۲۶.
 ۱۷. سلطانی، مجتبی (۱۳۸۹): «پاسخ به مواضع نهضت آزادی درباره دفاع مقدس»، *روزنامه جوان*، بیست و سوم اردیبهشت.
 ۱۸. سلطانی، مجتبی (۱۳۶۷): خط سازش، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی
 ۱۹. سوداگر، محمد (۱۳۹۱): «سوداگر دلها و دغدغه حفظ میراث»، *نسیم بهشت (ویژه‌نامه هفته دفاع مقدس)*، پانز، شماره ۲.
 ۲۰. صدرشیرازی، محمدعلی (۱۳۸۹): «نگاهی معرفت‌شناختی به گسست میان نهضت آزادی و انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه ره‌آورد سیاسی*، بهار، شماره ۲۷.
 ۲۱. صدیقی، وحیدالزمان (۱۳۷۶): *انقلاب اسلامی از نگاه دیگران*، ترجمه سید مجتبی رویین تن، تهران، انتشارات اطلاعات.
 ۲۲. طایفه، عباس و احسان کیانی (۱۳۹۵): *نهضت آزادی ایران از تاسیس تا انشعاب*، تهران، نشر صمدیه.
 ۲۳. غضنفری، کامران (۱۳۹۳): «نقش تخریبی نهضت آزادی در جنگ تحمیلی»، *روزنامه کیهان*، یکم دی ماه، شماره ۲۰۹۵۰.
 ۲۴. قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۵): *ابعاد پیدا و پنهان عملکرد نهضت آزادی در دوران دفاع مقدس*، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، هفتم مهر ماه.
 ۲۵. کیایی‌نژاد، علی (۱۳۹۳): *بررسی مواضع و عملکرد نهضت آزادی در قبال جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
 ۲۶. کیهان (۱۳۹۱): «نیمه پنهان گروهک غیرقانونی نهضت آزادی؛ پرونده‌ای برای ستون پنجم»، *روزنامه کیهان*، بیست و چهارم اردیبهشت، شماره ۲۰۲۰۷.
 ۲۷. گرگانی، مهدی (۱۳۸۴)، «مخالفان تاکتیک‌های بنی‌صدر موضعگیری حزب جمهوری اسلامی در مسأله جنگ»، *زمانه*، سال ۴، شماره ۳۶
 ۲۸. مجموعه نویسندگان (۱۳۹۷): *فراز و فرود نهضت آزادی: بررسی و نقد مبانی فکری و عملکرد نهضت آزادی ایران*، تهران، اندیشکده برهان و نشر دیدمان.
 ۲۹. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۶): *شواهد شش‌گانه از انحراف نهضت آزادی*، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بیست و پنجم بهمن.
 ۳۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، ج ۱۳ و ۱۰، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۳۱. مولوی وردنجانی، عیسی (۱۳۹۵): *مبانی فکری و عملکرد نهضت آزادی در مواجهه با انقلاب اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدرسی معارف اسلامی، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
۳۲. مهکام، رضا (۱۳۸۳): «ارتباطات واگرا و همگرا»، *مجله حدیث زندگی*، مهر و آبان، شماره ۱۹.
۳۳. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۵): *خاطرات بازرگان شصت سال خدمت و مقاومت*، ج ۱، تهران، رسا.
۳۴. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۰ الف): *محکومیت توطئه براندازی*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۳۵. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۰ ب): *بیانیه نهضت آزادی ایران پیرامون بحران کنونی کشور*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۳۶. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۱): *قطعه‌نامه کنگره پنجم نهضت آزادی ایران*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۳۷. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۲): *نامه سرگشاده به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۳۸. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۳): *تحلیلی پیرامون جنگ و صلح*، تهران، نشر نهضت آزادی ایران.
۳۹. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۴ الف): *پایان عادلانه جنگ بی پایان*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۴۰. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۴ ب): *چه باید کرد؟*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۴۱. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۴ پ): *توضیحاتی پیرامون مذاکره، آتش بس و صلح*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۴۲. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۴ پ): *روزنه‌های امید (در زمینه جنگ)*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۴۳. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۵): *تحلیلی پیرامون وخامت اوضاع کشور*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۴۴. نهضت آزادی ایران (۱۳۶۷): *هشدار پیرامون تداوم جنگ خانمانسوز*، بی جا، نهضت آزادی ایران.
۴۵. واثق، محمود و مصیب قره‌بیگی (۱۳۹۷): «نظریه گریز (تبیین واگرایی در نظام‌های سیاسی - اجتماعی)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال چهاردهم، پائیز، شماره ۳.
۴۶. یزدی، ابراهیم (۱۳۹۳): *درباره جنگ ایران و عراق*، گفتگو از محسن عربی، ندای آزادی، هجدهم اسفند.
۴۷. *مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی*

48. Dougherty James and Pfaltzgraff Robert (1971). *Contending Theories in International Relations*, Philadelphia, J.B Lippincott Company